

The Effects of Environmental Damages and Dangers on Life Sphere

ABSTRACT

During the last century, the idea of material progress and domination of nature, despite its undeniable achievements on various levels of life, has posed several dangers and environmental damages to human life. According to the evidence and research conducted on the destructive environmental issues in Iran, our country is not safe from what can be called the risk of progress trap. In the present study, the research question addresses the effects of changing and destroying the natural and ancient texture of land on the health of life sphere. In response to this question, a hypothesis has been tested indicating that conscious and unconscious interventions and manipulations in the natural context of the ecosystem and climate can expose the ever-diverse and balanced nature of Iran to erosion and inevitable bad frequencies. The present article method is descriptive-analytic and critical approach is used as a theoretical framework. The theoretical foundations of “climate” in political geography and “life-world” in phenomenological philosophy are used as tools for analysis.

Keywords: Climate, Life-World, Climate Change, Iran, Risks.

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1. Mohammad Taghi Ghezelsofla *
2. Morteza Ghorchi
3. Abolfazl Ghasemi

1 Associate Professor of Political Science, Mazandaran University, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. PhD in Political Science, Mazandaran University, Iran.

Correspondence*

Address: Department of Political Science, University of Mazandaran, Iran.

Email: m.ghezel@umz.ac.ir

Article History

Received: 24 November 2021.

Accepted: 16 February 2022.

مخاطرات زیست محیطی و اثرات آن بر

سپهر زندگی

محمدتقی قزلسفلی*

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ایران.

مرتضی قورچی

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

ابوالفضل قاسمی

دکترای علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ایران.

چکیده

از سده گذشته تا به امروز ایده‌ی پیشرفت مادی و سیطره بر طبیعت علیرغم دستاوردهای غیرقابل انکار بر سطوح مختلف زندگی اما مخاطرات و آسیب‌های زیست محیطی زیادی را دامن‌گیر زندگی بشر کرده است. بنا به شواهد و پژوهش‌های انجام شده در خصوص مسائل بدخیم زیست محیطی در ایران کشور ما نیز از آنچه که می‌توان تله‌ی مخاطره پیشرفت به هر قیمتی نامید، در امان نیست. در پژوهش حاضر این پرسشواره به بحث گذاشته می‌شود که تغییر و تخریب در بافت طبیعی و کهن بوم این سرزمین چه آثاری بر سلامت سپهر زندگی به جای می‌گذارد؟ در پاسخ به این پرسش مطروحه این فرضیه به آزمون گذاشته شده است که مداخلات و دست کاری در بافت طبیعی زیست بوم و اقلیم می‌تواند خصلت زیست جهان همواره متکثر و متعادل ایرانی را در معرض فرسایش و بسامدهای بد محتوم قرار دهد. مقاله‌ی حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد انتقادی به‌عنوان چارچوب نظری به نگارش درآمده است. بهره‌گیری از مبانی نظری «اقلیم» در جغرافیای سیاسی و «زیست جهان» در فلسفه‌ی پدیدارشناسی برای ابزار تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: فضای سایبر، حاکمیت، حاکمیت سرزمینی، حقوق بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

نویسنده مسئول: m.t.ghezel@gmail.com

مقدمه

بیش از یک دهه است که بحران‌های مختلف ناشی از تغییرات اقلیمی و الاینده‌های زیست محیطی به بحث‌های اصلی و مهم میان سیاستمداران، نظریه پردازان و عموم مردم تبدیل شده است. علل تعیین کننده در این فروپاشی و تخریب محیط زیست، رویکرد و کنش تخریبی انسان و نهادهای اقتصادی و آن چه رونالد رایت به درستی «تله‌ی پیشرفت» می‌نامد، بوده است [۱]. امروزه مشکل می‌توان فرد یا جامعه‌ای را پیدا کرد که آگاه به مخاطرات زیست محیطی و آن مخمضه‌ی غریب و نگران کننده‌ای که گرفتارش شده نباشد. شواهد و گزارش‌هایی که در سال‌های اخیر درباره دخالت‌ها و تغییراتی که اجتماعات انسانی و کشورها در اقلیم جهان ایجاد کرده‌اند، برخی از تحلیل‌گران را مجاب کرده است که در دهه‌های آتی زندگی متمدنانه و حفظ میراث بشری در بخش‌های قابل توجهی از دنیا میسر نخواهد شد [۲، ۴۵]. در طول چند دهه گذشته شتاب در صنعتی شدن استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی^۱ تصرف قلمروهای زیستی و طبیعی با خود انبوهی از مشکلات را به همراه آورده است از تغییرات آب و هوایی گسترده انتشار گازهای گلخانه‌ای و موارد دیگر نه تنها بافت طبیعی اقلیم‌های مختلف را در بخش‌های گوناگون کره زمین بر هم زده است شوربختانه مشکلات عدیده‌ای هم در سپهر زندگی روزمره به وجود آورده است: گسترش انواع خشونت‌ها و ناآرامی‌ها کثیر شدن بیماری‌های میکروبی و ویروسی مشترک میان انسان و دام تا پیدایش گسل‌های جدی در ساختار تمدنی و فرهنگی برخی از کشورها.

به نظر می‌رسد این مخاطره کشورهای مختلفی از جمله ایران را در سال‌های پیش رو با مسائل و مشکلات مختلفی روبرو خواهد ساخت. البته مخاطرات زیست محیطی و تاثیر آن بر اجتماع انسانی از گذشته شروع شده اما در سال‌های اخیر بر شدت آن افزوده شده است. بی دلیل نیست که از آغاز دوران مدرن ارتباط میان اقلیم و موقعیت جغرافیای، سیاست و زندگی مورد توجه عالمان اجتماعی و متفکران قرار گرفته است. برای مثال شارل منتسکیو در کتاب «روح القوانين» خود اثر شرایط جغرافیایی ناشی از محیط طبیعی را در امور اجتماعی و رفتار افراد بررسی کرده است. به اعتقاد او آب و هوا و شرایط اقلیمی

چهارچوب نظری

در چارچوب نظری تحقیق می‌توان از نظریه زیست جهان و نظریه اقلیم در سیاست استفاده کرد؛ چراکه محیط در بستر و عرصه زیست جهان و زندگی آدمی شکل می‌گیرد و قوام می‌یابد و بر میدان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی اثر می‌گذارد.

۱- زیست جهان

نظریه‌پردازان انتقادی با اتکا به رویکرد دیالکتیکی‌شان، برای تغییر شرایط انضمامی ارزش قائل‌اند و امیدوارند انسان‌ها بتوانند در طی تحولات تاریخی به موقعیت بهتری نائل گردند. در همین راستا هورکه‌ایمر در خصوص نظریه انتقادی معتقد است این نظریه بر لزوم تغییر بنیادین جامعه باور دارد. واقعیت از این منظر محصولات تاریخی و اجتماعی هستند و جهان مورد مطالعه ما، محصول ایده‌ها و کنش انسانی است. ایده‌ها، کنش‌ها و شرایط موجود اجتماعی تغییرناپذیر نیستند و نظریه انتقادی در پی فهم و تغییر آن‌ها است [۴۶].

زیست جهان به حوزه‌ای از رفتار اشاره دارد که در آن هماهنگی بین کنشگران و نظم و قاعده از طریق باورها و ارزش‌های یکسان منتج می‌گردد. در حقیقت زیست جهان ذخیره‌ای از لحاظ فرهنگی انتقال یافته و به لحاظ زبانی سازمان‌یافته از الگوهای تفسیری است؛ زیست جهان دورنمایی را تشکیل می‌دهد تا هنگامی که می‌کوشیم از طریق گفته‌های میان خودمان به توافق برسیم، آن را بدیهی تلقی نماییم. به عبارت دیگر ساختارهای نمادین زیست جهان از طریق استمرار و تداوم آگاهی معتبر (استمرار سنت، انسجام و عقلانیت)، تثبیت انسجام گروهی (تثبیت هویت‌های گروهی، همبستگی) و اجتماعی شدن کنشگران مسئول بازتولید می‌شود که متناظر با بازتولید فرهنگی، ادغام اجتماعی و اجتماعی شدن، به اجزای سه‌گانه ساختاری زیست جهان یعنی فرهنگ، جامعه و شخص برمی‌خوریم [۴۷]. زیست جهان با زندگی روزمره و تجربه آگاهی جمعی در درون آن ارتباط دارد؛ زیست جهان بر مبنای تجربه‌های مشترک زیستی در درون خود شکل گرفته و تکوین یافته است [۴۸]. آگاهی جاری و روزمره در درون زیست جهان امکان مفاهمه را میان افراد فراهم می‌کند؛ امکانی که حس

پدیده‌های متفاوتی را از نظر عوارض اجتماعی ممکن است ایجاد کنند [۳]. بخش عمده‌ای از کیستی جامعه متأثر از منابع اقلیمی و محیطی است. به اعتقاد محیط زیست گرایان، آنچه در روابط انسانی کاربرد دارد می‌تواند در روابط انسان با غیر انسان مورد استفاده قرار داد. اگر افراد از طریق خانواده، اجتماع و ملت هویت می‌یابند در نتیجه می‌توان آن‌ها را با درختان، حیوانات، اقیانوس‌ها یا کل کره زمین هویت بخشید. با این وصف می‌توان گفت افراد با خود اکولوژیکی‌شان رشد می‌یابند و پیوند برقرار می‌کنند [۴].

از این قرار واقعیات تاریخی نشان می‌دهد که تاریخ زیسته‌ی ایرانیان، کلیت جامعی است از یک هستی مشترک یا به‌قول جامعه‌شناس معاصر یعنی «هالباکس» حافظه و خاطره‌ی جمعی آن هم در یک فلات و منطقه‌ی جغرافیایی با فرهنگ دراز دامن که «ایران» خوانده می‌شود. اگر ایرانیان در طول سده‌های ماضی در هماهنگی با ارزش‌های خود زندگی می‌کردند و چندان تعارضی میان «ایران و ایرانیان» و از آن مهم‌تر چندان تضاد و تخالف چشمگیر و آسیب‌زننده با «دیگران» نداشتند، وامدار زیست جهان بوده‌اند که می‌توان اینجا از روی مسامحه به آن هویت ملی طبیعی اطلاق کرد. این هستی مشترک در کنار عوامل گوناگون که به زایایی و بالندگی آن مدد رسانیده‌اند به‌شدت متأثر شکل اقلیم آن و به تعبیر موتسکیویی وجهی قانون زیستی است که از ماهیت آب و هوایی و اقلیم متعدد و متکثرش سیراب شده است. بر این اساس هر نوع خلل و آسیب جدی که به تغییر اقلیمی و تخریب زیست محیطی آن وارد شود، اثر خود را بر «سنگ خااری» هویت و هستی ایرانی برجای خواهند گذاشت. با دغدغه خاطر نسبت به حفظ تمامیت سرزمینی و منافع ملی، مقاله حاضر در پی پاسخ به این سوال اصلی است که تخریب محیط زیست طبیعی ما چه پیامدهایی برای سلامت زیست جهان ایرانی دارد؟ در پاسخ به این پرسش، سوالات فرعی دیگری هم مطرح و بررسی می‌شود. مقصود از زیست جهان چیست؟ اثرات تخریب زیست محیطی ایرانی بر کم و کیف زندگی در ایران چگونه بوده است؟

مشترک به مثابه دانش روزمره را در شهروندان یک جامعه پدید می‌آورد [۵]. میان زیست جهان، عرف‌ها و عادات و رسوم یک جامعه پیوندهای عمیقی وجود دارد که عموماً بسامد تاریخ و اقلیم مشترک است. از این جهت مقوله‌ی زیست جهان به ایجاد و تحکیم نظام معنایی یکپارچه در سطوح مختلف مدد می‌رساند.

۲- اقلیم و سیاست

در چارچوب نظریه اقلیم گفته می‌شود شرایط زیستی و جغرافیایی تاثیر مهمی بر حیات انسان‌ها دارد. متفکران بر این اساس هم رفتارهای فردی و اجتماعی را و ماهیت فرهنگی و تمدنی را متأثر از نوع اقلیم دانسته‌اند. نوع آب‌وهوا (گرمسیری، معتدل و سردسیری) و منطقه جغرافیایی در چگونگی رشد و نمو فیزیکی، عقلانی و حتی اخلاقی افراد تاثیر فراوان دارد و در شکل‌گیری ساختمان بدنی، چهره، روحیات معنوی و مذهبی، هوش، سن بلوغ و غیره موثر است [۶].

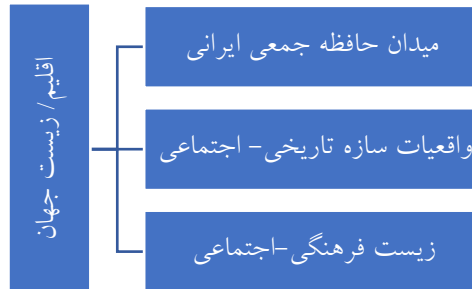
متفکران و دانشمندان نیز از دیرباز به این نکته مهم توجه داشته و به مناسبت‌هایی آن را یادآور شده‌اند؛ آنان معتقدند که شرایط زندگی، آب‌وهوا و شرایط جغرافیایی در زندگی انسان و در تکوین شخصیت وی تاثیر قابل توجهی دارد. توجه به محیط جغرافیایی ویژه تنها ژئوپولیتن‌ها نیست، بلکه اندیشمندان، فلاسفه، سیاست‌مداران، نظامیان و علمای اجتماع رابطه اقلیم را با رفتار انسانی مورد بررسی قرار داده‌اند. ژان بدن نخستین کسی است که مفهوم آب‌وهوا را وارد علم سیاست کرد. به گمان او سه گونه آب‌وهوای شمالی، جنوبی و معتدل باعث سه گونه انسان متفاوت می‌شود. او معتقد است شمالی‌ها سرسخت‌تر و جسماً فعال‌تر اما جنوبی‌ها ضعیف درحالی‌که فکورترند. منتسکیو در قرن هجدهم به تفصیل از آثار شرایط جغرافیایی سخن گفت. چنانکه درباره آب‌وهوا می‌گوید «امپراتوری آب و هوا نخستین همه امپراتوری‌ها است» [۷]. منتسکیو عوامل جغرافیایی مانند: اقلیم، منابع طبیعی، کوهستانی بودن یا جزیره نشینی و صحرا نشینی را بر خلق و خوی اقوام موثر می‌داند. منتسکیو در اثر مشهور خود «روح القوانين» درباره طبیعت و آب و هوا بحث کرده و می‌گوید: صفات روح و عواطف انسانی در اثر آب و هواهای مختلف تفاوت دارند. او می‌گوید که هوای سرد منتهی‌الیه الیاف خارجی بدن ما را منقبض می‌کند و این انقباض

باعث افزایش فعالیت آن‌ها شده، موجب برگشت خون از انتهای بدن به طرف قلب شده و هوای سرد طول این الیاف را کمتر نموده و بر نیروی آن‌ها می‌افزاید. برعکس هوای گرم منتهی‌الیه الیاف را سست و دراز می‌کند و از نیرو و قابلیت حرکت آن می‌کاهد. از نظر منتسکیو انسانی که در اقلیم سردسیر پرورش می‌یابد دارای قوت بیشتر، قلبی قوی‌تر، اعتماد به نفس، گذشت، عدم انتقام، صداقت و دوری از حیله و نیرنگ است [۳]. به اعتقاد او از مجموعه چیزهایی که بر زیست جهان آدمیان حاکم است مثل جغرافیا، آب و هوا، دین، قوانین، اصول حکومت، سرمشق گذشتگان، آداب و رسوم و منش‌ها یک روح کلی ساخته می‌شود که همگی زائیده‌ی عوامل یاد شده است [۷]. از این قرار جوامع به ویژه آن‌ها که تاریخ و جغرافیای گسترده دارند، عناصر تصادفی و ناهمگون سرهم بندی شده یا مصنوعی نیستند بلکه شکل آنها پیامد تکامل طبیعی و پیوند اقلیم و زیست جهان و سپهر زندگی است.

در اهمیت اقلیم همین بس که اختلافات شیوه فکری اروپائیان و هندیان می‌تواند معلول تاثیر آب و هوا باشد. وجود عدم آب کافی، وجود کوه‌ها و کویرها، دوری یا نزدیکی به دریا، پوشش گیاهی و درجات گرما و سرما یک نظام تعادلی خاصی را در طول تاریخ برای یک کشور می‌سازد و هر نوع تغییر و تصرف در آن می‌تواند شکل، نظم و ماهیت اجتماعات آن را در معرض خطر قرار دهد. برای مثال طبق مطالعات و ارزیابی‌های جمیع محققان غربی و ایرانی، اقلیم ایرانی سبب وجوه بارز زیست روستایی، عشایری و شهری شده است. براساس آموزه‌های کیهان شناختی ایرانیان، نظم اخلاقی کیهان یا اشته در صورتی می‌تواند حامی نظم اجتماعی و سیاسی باشد که عمل آدمی در نسبت به اقلیم خود توأم با حفظ زیست بوم و احترام به جهان نیک آفریده خدا باشد [۸]. به همین مناسبت از انسان مکرر خواسته شده نظام اجتماعی و سیاسی خود را در پیوند آئین راستی و خصلت زنده انگارانه هستی قرار دهد [۹]. بحث در این زمینه را با استفاده از آمار و اسناد به این مسیر هدایت می‌کنیم تا نشان دهیم چگونه در طول چند دهه گذشته دخالت و تصرف انسان و سبک زندگی، این تعادل را در حوزه اقلیم ایرانی به شکل محسوسی بر هم زده است.

براساس چهارچوب نظری فوق می‌توان الگوی مفهومی تحقیق را به شکل ذیل ترسیم نمود:

شکل ۱: الگوی مفهومی تحقیق



۱. محیط زیست

تخریب را فرآیندی تعریف نمود که یک اکوسیستم را به نحوی تحت فشار می‌گذارد که قابلیت آن را برای خودسازگاری کاهش می‌دهد و در صورت تداوم این حالت باعث اضمحلال اکوسیستم می‌گردد. عاملی که بتواند چنین اثری را بر اکوسیستم بگذارد، اجباراً از خارج این سیستم ناشی می‌شود. انسان نیز به‌عنوان عضوی از محیط به‌واسطه فعالیت‌های خود، مخاطراتی در محیط زیست پدید می‌آورد [۱۱]. از این رو می‌توان سیر امواج نگرانی‌های زیست محیطی را از دهه ۱۹۴۰ تا حال حاضر بدین گونه ترسیم داشت.

مسائل زیست محیطی از جمله مسائل اجتماعی می‌باشند که محصول مستقیم شرایط عینی قابل شناسایی، متمایز و مشهود می‌باشند. چنانکه اسپکتور و کیتسوسه بیان می‌دارند که مسائل اجتماعی ایستا نمی‌باشند بلکه پیامد حوادثی‌اند که براساس تعاریف جمعی گسترش می‌یابند، زیرا رابطه بین انسان‌ها و محیط زیست‌شان را در برمی‌گیرد. بر همین اساس، راه‌حلی‌هایی هم برای مشکلات زیست محیطی پیدا شود باید مردم و کل جوامع رفتارهای تخریب‌گر خود را تغییر دهند [۱۰]. می‌توان

جدول ۱: امواج نگرانی‌های زیست محیطی

مسائل	نگرانی	تاریخ	موج
تولید ناکافی مواد غذایی، کاهش منابع تجدید ناپذیر	منابع طبیعی محدودشده	دهه ۱۹۴۰-۱۹۵۰	موج اول
آلودگی آب‌وهوا، دفع زباله‌ها، آلودگی شیمیایی / رادیواکتیو	عوارض جانبی تولید و مصرف	دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰	موج دوم
سوراخ شدن لایه اوزون	در سطح جهان	دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰	موج سوم
تنوع زیستی، مهندسی ژنتیک، جنگل‌زدایی، مدیریت آب، مهاجرت، پیدایی و ظهور مجدد بیماری‌ها، جهانی شدن	تغییرات زیست محیطی در سطح جهان	دهه ۱۹۹۰ تاکنون	موج چهارم

منبع: [۱۲]

با توجه به جدول بیان شده فوق می‌توان به بررسی مسائل زیست محیطی در برنامه‌های شش‌گانه توسعه جمهوری

اسلامی ایران پرداخت.

جدول ۲: مسائل زیست‌محیطی ایران در برنامه‌های توسعه

برنامه	سال	مسائل
اول	۱۳۶۸-۱۳۷۲	حفاظت محیط زیست با تاکید بر جلوگیری و کنترل آلودگی‌ها
دوم	۱۳۷۴-۱۳۷۸	-کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بایستی با رعایت ملاحظات زیست محیطی باشد. -جلوگیری و رفع آلودگی منابع آب. -اعمال صرفه جویی و منطقی کردن مصرف انرژی و حفاظت از محیط زیست. -حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور.
سوم	۱۳۷۹-۱۳۸۳	-بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور براساس توان بالقوه منابع. -حفظ روند رشد تولیدات و بهره‌برداری پایدار از منابع. -کاهش عوامل آلوده کننده محیط زیست. -ارزیابی زیست محیطی کلیه طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی پیش از اجرا.
چهارم	۱۳۸۴-۱۳۸۸	-حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی کشور. -برآورد ارزش‌های اقتصادی منابع طبیعی و زیست محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست. -گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی محیط زیست. -حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش محیط زیست و منابع طبیعی. -ارائه برنامه مدیریت پسماندهای کشور. -تدوین اصول توسعه پایدار -مدیریت زیست بومی در زیست بوم‌های حساس. -حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.
پنجم	۱۳۹۰-۱۳۹۴	حفاظت، احیا و بهره‌برداری پایدار از محیط زیست، منابع طبیعی و تنوع زیستی. - اجرای برنامه‌های آموزشی. -اعمال سیاست‌های مصرف بهینه منابع پایه و محیط زیست برای اجرای برنامه مدیریت سبز. -کاهش عوامل آلوده کننده و مخرب محیط زیست. -کنترل و کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای. -مدیریت پسماند شهری. -برنامه مدیریت زیست بومی در زیست‌بوم‌های حساس.
ششم	۱۳۹۶-۱۴۰۰	کاهش انتشار آلاینده‌های زیست محیطی، جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، حفظ و احیای تنوع زیستی، حکمرانی محیط زیستی، توسعه اقتصاد کم کربن، توسعه فن‌آوری سبز، بهبود کیفیت آب و هوا و کنترل گازهای گلخانه‌ای.

منبع: نگارندگان

۲. در نسبت زیست جهان ما و مختصات اقلیمی

بوده است. چنان‌که محسن ثلاثی در پژوهش خود نشان داده است این جنبه از مختصات فلات ایران که به بستر اقلیمی و جغرافیایی مربوط می‌شود، روشن‌ترین و سراسرترین جنبه‌ی آن به شمار می‌رود، چراکه نمودهای عینی، ملموس و محسوس دارد و مانند جنبه‌های دیگر سرشار از ابهام و پیچیده و

در اینجا به اختصار به برخی ویژگی‌های اقلیمی و زیست محیطی ایران اشاره می‌کنیم و بر آنیم این مختصات متنوع، شکل‌دهنده نسبت میان فلسفه‌ی زندگی و اقلیم متنوع ایرانی

آذری، مازنی و فارسی تا اندازه زیادی بازتاباننده تنوع اقلیمی سرزمینی است که این اقوام در گوشه و کنار آن زندگی کرده و خاطرات تلخ و شیرینشان را باهم قسمت کرده‌اند. روشن است زیست جهانی که در چنین زیست‌بوم متنوع پرورده شده و از چنین خرده فرهنگی برخوردار است، به طبع آمادگی ویژه‌ای برای جذب و پذیرش فرهنگ‌های متفاوت بیگانه دارد و هرگز از چنین تنوع و تفاوت هراسان نبوده است. به عبارت روشن‌تر زیست جهان سرد و گرم چشیده‌ی ما همواره با اقوام گوناگون ترک، عرب، هندو، یونانی، رومی و چینی در تبادل بوده و در هیچ نقطه‌ای از جهان احساس بیگانگی و دل‌تنگی نکرده، زیرا شبیه همه‌ی این موقعیت‌ها و قومیت‌های متفاوت را در تجربه تاریخی و سرزمینی خود دیده است و شاید یکی از جهان دیده‌ترین فرهنگ‌های گذشته و امروز دنیا باشد [۱۵، ۱۶].

۳. مخاطرات در منابع جمعی مشترک ما

اگر خود را به شکل مسافر و سیاحی در نظر بگیریم که می‌خواهد تمام نقاط ایران را بگردد و از دیده و شنیده‌های خود حکایت کند باید گفت شوربخانه او پیام‌آور نکات تلخی از زیست‌بوم امروزی ما خواهد بود: درختان جنگل در گوشه کنار این سرزمین بی‌محبا قطع شده یا سوزانده می‌شوند، آشغال‌ها شامل وسایل الکترونیکی و پلاستیک‌ها در همه‌جا بی‌توجه رها شده‌اند و مناظر دیدنی و کوه‌ها و دشت‌های سرسبز و متنوع آن جای خود را به سازه‌های زشت و بد قواره داده‌اند. انگار در سطح وسیعی از مناطق دور و نزدیک جهان، بشر به جد تصمیم به نابودی منابع زاینده و حیاتی خود گرفته باشد. به تعبیر گزنده تام فیلیپس در کتاب «تاریخ مختصر به گند کشیدن جهان»، تمام نهادهای بهره‌کش اقتصادی بشر، یک خراب کاری در مقیاس گسترده به وجود آورده‌اند [۱۷]. جان بلامی فاستر متفکر چپ، در کتاب «سرمایه‌داری و محیط زیست» می‌نویسد: «به هر سو که می‌نگریم در هوا، اقیانوس‌ها، سفره‌های آبی، خاک و جنگل‌ها، زیست بوم انسان معاصر، آشکارا در سراسیمه زوال است» [۱۸].

نگاهی از سر تامل و دقت به پژوهش‌ها و اسناد و آمارها در خصوص اقلیم و زیست بوم ایران نشان می‌دهد تا چه میزان آن تعادل همیشگی میان زیست جهان متنوع ایرانی و اقلیم

دشواریاب نیست. همین مقدار خاک و محیط زیستی که به نام کشور ایران برای ایرانیان باقی مانده، با آنکه بخش بسیار کوچکی از قلمرو ایران فرهنگی کهن است، به‌اندازه کافی بیانگر و روشنگر ویژگی‌های اقلیمی این فرهنگ است. به‌عبارت‌دیگر «کشور ایران از اقلیمی برخوردار است که چنان تنوعی از جهت آب و هوا و پستی و بلندی دارد که در واقع خود یک جهان کوچک به شمار می‌رود و نمایشگر انواع موقعیت‌های اقلیمی در سراسر کره زمین است» [۱۳]. اختلاف درجه حرارت در سردترین و گرم‌ترین نقاط این کشور در برخی از فصول حتی به بالاتر از پنجاه درجه سانتی‌گراد می‌رسد و گوناگونی درجه حرارت آن را تنها در عرصه قاره‌ای می‌توان یافت. فاصله جغرافیایی این تنوع آب و هوایی نیز بسیار کوتاه است و با اختلاف گاه تا بیست تا سی کیلومتر از جهنمی سوزان به بهشتی جان‌نواز تغییر چهره می‌دهد. فاصله دشت‌های سوزان و کویری ایران با دامنه‌های کوهستانی خوش آب‌وهوا در بیشتر نقاط ایران چندان زیاد نیست. در همین کشور با انواع اکوسیستم‌های دریایی، بیابانی و کویری، معتدل و مدیترانه‌ای، دشتی و کوهستانی، گرم و مرطوب تا سرد و خشک با فواصلی به نسبت نزدیک در پی هم می‌آیند و رنگین‌کمانی متنوع و چند وجهی از آب‌وهوای بس متفاوت را به نمایش می‌گذارند. زیست جهان ایرانی در سراسر دوران تحول و زاینده‌گی و حیاتش از یک چنین بستر و اقلیم متنوعی سیراب شده و در پیوند با آن خود را به جهانیان شناسانیده است و کانون‌های آفرینش حیات فکری و فرهنگی و آرمان خواهی سرزمینی و حکمرانی آن پیوسته در این آب‌وهوا و پستی بلندی‌های متفاوت شناور بوده و هرگز محدود به یک اکوسیستم خاص و مجزا نبوده است. انعکاس این تنوع اقلیمی و زیست‌محیطی را می‌توان در گوناگونی خرده فرهنگ‌های نقاط مختلف و متفاوت ایران زمین یافت. آذربایجانی‌های مقیم منطقه سردسیر و به نسبت بلند ایران مانند بیشتر مناطق سرد و برفی جهان با انضباط‌تر، سخت‌کوش‌تر و جدی‌تر از خوزستانی‌های ساکن دشت‌های گرمسیری ایران‌اند و رفتار رندانه و فرصت‌طلبانه و محافظه‌کارانه‌ی مناطق مرکزی فلات ایران، با سادگی نسبی و سرخوشانه‌ی مازندرانی‌ها و گیلک‌ها تفاوت محسوسی دارد [۱۴]. رنگارنگی خرده فرهنگی اقوام ایرانی لر، کرد، بلوچ،

مجموع بارش سالانه در ایران ۴۰۰ میلیارد مترمکعب است که ۷۰٪ آن به‌طور مستقیم تبخیر شده و تنها ۳۰٪ آن به صورت آب‌های سطحی و زیرزمینی، منابع آبی کشور را تامین می‌کند [۲۱]. به گفته‌ی مراد کاویانی راد، منابع آبی و بارش کشور حقیقتاً نگران‌کننده است به گونه‌ای که طی پنجاه سال گذشته، سال آبی جاری بدترین شرایط را دارد، حوضه آبریز مرکزی و شرقی کشور بیش از ۷۰٪ افت بارش داشته و نزدیک به ۸۵٪ کشور درگیر بحران خشکسالی است [۲۲]. به گفته محققین ۳۰ سال دیگر ایران به کشور ارواح بدل می‌شود، ذخایر آب ۱۲ استان در ۵۰ سال آینده به پایان خواهد رسید [۲۳].

ایران چهارمین کشور در معرض خشکسالی است. گزارش ناسا از وضعیت گرمایش جهان و خشکسالی نشان می‌دهد که ایران بین ۴۵ کشور در رتبه چهارم است و بنا به همین گزارش در طول ۳۰ سال آینده این خشکسالی همه‌گیر خواهد شد. به همراه آن بیابان‌ها در فلات ایران گسترش خواهد یافت و غالب زیست‌گاه‌های ایران وارد یک دگردیسی پس‌رونده خواهد شد: جنگل‌ها درختزار، درختزارها بوته و بوته‌زارها بیابان و بیابان‌ها هم عدم زادآوری زیستی را موجب می‌شوند و به این ترتیب دوسوم مساحت ایران در شمار مناطق خشک و نیمه‌خشک قرار می‌گیرد. [۲۴]. در دهه اخیر تعداد وقوع و شدت توفان‌های گردوغبار در فراوانی وقوع آن‌ها در ۵۰ سال اخیر افزایش یافته است به نحوی که در ایران تنها در طول ۳ سال اخیر ۱۰ برابر شده است [۲۵]. چه بسا تداوم طولانی‌تری از دوره‌های خشکسالی در کشور حتی می‌تواند مکان‌های زلزله‌خیز چون ایران را دچار زلزله کند. به اعتقاد یکی از پژوهشگران زلزله شناسی در کشور، گرم شدن زمین و تغییر اقلیم می‌تواند مکان لرزه‌خیز را مستعد رخداد زلزله کند، اثر مشخص فرونشست زمین، کاهش مقاومت و تاب‌آوری ساختمان‌ها در برابر زمین لرزه است [۲۶].

از سوی دیگر، رئیس مرکز ملی خشک‌سالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی گفت: در بین استان‌های مختلف استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و چهارمحال و بختیاری در بدترین وضعیت قرار دارند چون براساس آمارهای خشکسالی ۱۰ ساله، به ترتیب حدود ۶۵، ۵۲ و ۵۰ درصد مساحت این استان دچار خشکسالی بسیار شدید است. این

گونه‌گون ما دچار فرسایش شده و هم‌چنان در معرض مخاطرات و گسل‌های جدید قرار دارد. به عبارت دیگر، تداوم این شرایط بغرنج می‌تواند تأثیرات پر تب‌وتابی بر زندگی عمومی و روزمره برجای گذارد و حاصل آن مجموعه تغییرات اقلیمی، ابعاد مختلفی از سلامت بدن و نظم زندگی را با تشدید خشونت‌ها، ناآرامی‌ها و سیل مهاجرت‌ها در معرض تخریب و فروپاشی قرار دهد.

۳-۱. تغییرات اقلیمی

اولین تأثیر تخریب محیط زیست در کشور، تغییرات اقلیمی بوده است. ایران در طی سال‌های اخیر از دگرگونی‌های آب‌وهوایی، آب و مشکلات خاک رنج برده است. عیسی کلانتری رئیس وقت سازمان حفاظت محیط زیست ایران با اشاره به تمدن چند هزار ساله ایران گفته است: این سرزمین یکبار مصرف نیست و باید برای نسل‌های آینده از منابع آن حفاظت شود و در خصوص منابع خاکی کشور اذعان داشت که ایران در فرسایش خاک در جهان رتبه نخست را دارد به گونه‌ای که سالانه یک و سه‌دهم کیلوگرم در مترمربع فرسایش داریم، خاکی که چند دهه برای تولید آن زمان نیاز داریم متأسفانه در کمتر از دو سال با فرسایش از دست می‌دهیم [۱۹].

میان افزایش دما و میزان بارندگی رابطه نزدیکی وجود داشته یعنی به هر میزانی که بارندگی کاهش یابد، دمای هوا افزایش یافته و این بحران منجر به تخلیه منابع آبی خواهد شد، به‌عنوان مثال با کاهش میزان بارندگی در غرب کشور و زاگرس (مرکز بلوط) به سید نان مردم این منطقه و انبار غله ایران آسیب می‌رسد. یکی از عوارض گرم شدن ایران، افزایش میزان آتش‌سوزی مراتع و جنگل‌ها بود، به شکلی که از ۲۹۳ فقره در سال ۱۳۶۵ به ۱۱۸۳ در سال ۱۳۹۹ تغییر یافته است [۲۰].

همه این موارد هشدار دهنده زنگ خطری برای محیط زیست و به همین ترتیب زندگی جمعی خواهد بود، زنگ خطری به گستردگی و سهمگینی نابودی زیست جهان ایرانی و پایان تمدن چند هزار ساله ایران که در گذر زمان توسط سخت‌کوشی مردمان ایرانی ساخته شده بود، باری دیگر ناهشيارانه و به سادگی به دست خودمان در حال تباهی است.

ایران تلقی می‌شود به واسطه ساخت بی رویه سدها و عدم رعایت نکات اقلیمی و تمدنی به نابودی و غرق شدن دهها اثر باستانی و تاریخی با قدمت چند صدساله در گوشه و کنار کشور شده است [۲۹]. برای مثال اجرایی کردن طرح تعویض پل روگذر شوش - اندیمشک و تبدیل آن به زیرگذر باعث خسارت غیرقابل جبرانی به تمدن چند هزار ساله و میراث تاریخی ما خواهد شد.

به هر حال شرایط اقلیمی توانسته کشور ما را در معرض آسیب قرار دهد، وضع سلامت اقلیمی کشور خوب نیست و دگرگونی‌های زیست محیطی شرق، غرب، شمال و جنوب ایران را در معرض تهدید قرار داده، دگرگونی‌هایی به قیمت مهاجرت‌های اجباری و روستاهای خالی از سکنه که می‌تواند در کنار به مخاطرات نگران کننده‌ای سوق داده است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد آن مسیر زوالی که تمدن‌های یونانی و رومی طی نمودند، فلات ایران را هم با همین تراژدی محتوم روبروی کرده است.

۳-۲. بروز انواع خشونت پیامد تخریب زیست محیطی

دومین اثر مهم آسیب‌های زیست محیطی در ایران، افزایش دامنه‌ی خشونت‌ها و اعتراضات می‌باشد. برپایه نظریه «چرخه تخریب محیط زیست»، تخریب هر یک از بخش‌های زیست محیطی به صورت دومینویی باعث بروز پیامدهای زیستی و اجتماعی می‌گردد. زیرا نابودی فضاهای کره زمین باعث فقر، کمبود منابع و کاهش روند نزولی ابعاد انسانی، اقتصادی و اجتماعی توسعه و نابودی محیط زیست می‌گردد که این چرخه باعث نارضایتی مردم و ایجاد خشونت می‌گردد [۳۰]. هنگامی که در کشور به ویژه در مناطق حساس که از نظر اقلیمی دچار کمبود آب، خشکسالی، آلودگی، فقر و بیماری شوند، انتظار می‌رود موج‌های اعتراضی، تنش‌ها، خشونت‌ها و گاه در مواردی درگیری‌های قومی و قبیله‌ای بر سر ذخائر و منابع را تقویت کند. البته این مسئله مهمی است که طبعاً و حتماً مورد توجه متولیان امر و سیاست‌گذاران کشور قرار دارد.

در نظر داشته باشیم نزدیک به هفتاد درصد از منازعات جهانی به دلیل چالش‌های آبی و منابع غذایی است [۳۱] از این

شرایط حکایت از وضعیت بد منابع آبی دارد. ضیائیان در ادامه با اشاره به وضعیت خشکسالی کشور در سال آبی که به تازگی به پایان رسیده است، اظهار کرد: براساس شاخص SPEI کوتاه مدت یک‌ساله (نمونه بررسی از اول مهر ۹۶ تا پایان شهریورماه ۹۷) حدود ۹۲ درصد مساحت ایران با درجات مختلف خشکسالی مواجه بود که هشت درصد این خشکسالی‌ها خفیف، ۲۰ درصد خشکسالی متوسط، ۱۹ درصد شدید و ۴۵ درصد بسیار شدید است. وی استان‌های دچار خشکسالی بسیار شدید را طی بازه سال آبی ۹۶-۹۷ برشمرد و گفت: براساس داده‌های خشکسالی یک سال گذشته، ۹۹ درصد مساحت استان قم، ۹۴ درصد استان بوشهر، بیش از ۷۶ درصد استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان با خشکسالی بسیار شدید، ۸۴ درصد استان‌های کرمان و خراسان شمالی با خشکسالی بسیار شدید ست و پنجه نرم می‌کردند. رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی همچنین به آمار جمعیت تحت تاثیر خشکسالی در کشور در بازه بلندمدت اشاره و اظهار کرد: بالغ بر ۹۷ درصد جمعیت ایران تحت تاثیر درجات مختلف خشکسالی است که از این میان، ۴۰۴ درصد جمعیت کشور با خشکسالی خفیف، ۲۵.۵ درصد خشکسالی متوسط، ۴۹.۶ درصد خشکسالی شدید و ۱۸.۴ درصد تحت تاثیر خشکسالی بسیار شدید است [۲۷].

آلودگی هوا از بارزترین اثر تغییرات اقلیمی در کشور بوده که زندگی مردم زیادی را در اقصی نقاط کشور با مشکل مواجه شده است که از جمله آن می‌توان به تعطیلی گاه و بیگاه مدارس، نهادهای آموزشی و ادارات در برخی استان‌ها اشاره کرد. مشکلی که در سال‌های اخیر در تهران، اراک، مشهد و دیگر مناطق مشاهده شده است. با توجه به گزارش کنترل کیفیت هوا، آلودگی هوا کشنده‌ترین نوع آلودگی و چهارمین عامل اصلی مرگ و میر زودرس در سراسر جهان است. بنا بر گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۶، تهران در میان ۲۶ شهر بزرگ جهان به لحاظ آلاینده pm10 در رده دوازدهم قرار دارد [۲۸].

با وجود همه این موارد شاید بی توجهی به تخریب آثار باستانی ایران هم بر شکاف رو به تزاید اقلیم و زیست جهان ما افزوده است، چنان که آثاری که به مثابه کارنامه میراث کهن

جغرافیایی و سیاسی، وضع سخت و دشواری را همچون مسائل بدخیم متوجه کارگزاران و متخصصان امر کرده است.

۳-۳. جابجایی نابسامان جمعیت

شهرهای مدرن تاثیرات بسیار زیادی بر محیط طبیعی دارند. تراکم جمعیتی این شهرها، آنان را به مصرف‌کنندگان انرژی و منابع طبیعی تبدیل می‌نماید که موجب نابودی ذخایر طبیعی شده و در نتیجه باعث ایجاد مقدار زیادی ضایعات و آلودگی می‌شود. دود ناشی از حمل و نقل و وسایل نقلیه، موجب آلودگی هوا و افزایش بیماری‌های تنفسی مانند آسم می‌گردد. مضافاً مناطق مرکزی شهر دستخوش میزان بالای جرائم است. از این روی شهرنشینی مقادیر عظیم انرژی را می‌بلعد و باعث ایجاد ضایعات انسانی می‌گردد که سرانجام همه در گورستان زباله، رودخانه‌ها، دریا و هوا تخلیه می‌شوند [۳۴].

مهاجرت در مناطق مختلف زمین نه تنها باعث رشد و تغییر جمعیت می‌شود بلکه بسامد آن تغییر در فرهنگ، شرایط اقتصادی- اجتماعی و ساخت‌های سیاسی است. از این رو مهاجرت به‌عنوان یک فرا واقعه‌ای که اتفاق آن به علت بستر و موقعیتی است که مردم در آن زندگی می‌کنند؛ توصیف می‌گردد. مهاجرت باعث رقابت بین نیروی کار در بازار، تغییر ترکیب نژادی جمعیت ساکن، اثرگذاری بر فرهنگ مقصد، فشار بر منابع برای تولید بیشتر جهت تامین منابع غذایی که در منطقه مهاجر پذیر، تبدیل کشاورزی به صنعت باعث افزایش آلودگی زیست محیطی و مشکلات دیگر می‌گردد. چنانکه سورک معتقد است افزایش جمعیت باعث بیابان زائی، تخریب اراضی، جنگل‌زدایی، بالآمدن سطح آب دریا به دلیل افزایش دمای هوا می‌داند [۳۵]. درصد جمعیت شهرنشینی ایران از کل جمعیت کشور طی ۵۰ سال گذشته تقریباً دو برابر میانگین جهانی بوده و در نتیجه کل مصرف آب در تمامی بخش‌ها سریع‌تر از رشد جمعیت و کل آب موجود است که ناشی از افزایش شهرنشینی، ۷۳٪ شهرنشینی در ایران که در مقایسه با ۶۰٪ میانگین جهانی و به تبع آن تغییر سبک زندگی است [۳۳].

با توجه به گزارش مرکز آمار ایران در (جدول ۳) می‌توان افزایش جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۷ را که

قرار کشور ایران هم از بروز چنین اعتراضات و تنش‌هایی در امان نمانده و با شدت گیری مشکلات آب و هوایی در کشور بر تعداد و گستردگی مناقشات داخلی بر سر آب و هوا افزوده شده است. همانند اعتراضات مردم اصفهان، خوزستان، اراک و ارومیه مواردی از این‌گونه تنش‌ها در دهه‌های اخیر می‌باشد که در موارد جزئی‌تر، به خشونت‌های منطقه «ورزنه» درباره پروژه انتقال آب اصفهان به یزد، شکستن خط لوله انتقال آب به یزد توسط کشاورزان اصفهانی در سال ۱۳۹۱ و درگیری‌های پراکنده در بلداجی در سال ۱۳۹۵ بر سر انتقال آب دامن زده است.

حوزه آبریز مرکزی که استان اصفهان را نیز پوشش می‌دهد طی سال آبی جاری بیش از ۷۰٪ کاهش بارش داشته است، طبیعتاً چنین وضعیتی معیشت کشاورزان و روستاییان را به خطر می‌اندازد و تغییر اقلیم نیز به کاهش آب روی زاینده‌رود انجامید که بازتاب اجتماعی آن اعتراض کشاورزان ورزنه و خوراسگان طی چند وقت اخیر بوده است و دامنه‌ی آن به اجتماع اعتراضی کشاورزان در حاشیه‌ی زاینده رود در سال جاری (۱۴۰۰)، رسیده است. از اسفندماه سال ۱۳۹۷ تا آذر ۱۳۹۷، ۲۸ مورد تعرض به خط لوله آب یزد صورت گرفته است و این تعرضات تاکنون چهار میلیارد و دویست میلیون تومان خسارت وارد کرده است. مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد با بیان این‌که تعرضات صورت گرفته سبب کاهش کیفیت آب استان و اعتراض برخی از مردم شده است گفت: با این تفاسیر سعی داشتیم که با همکاری شرکت آب و فاضلاب استان یزد از تمام ظرفیت و پتانسیل آبی استان استفاده کنیم که تامین آب شرب مردم با خلل و مشکلی روبه‌رو نباشد [۳۲]. به اعتقاد مسئولان سازمان محیط زیست، آوارگی و مهاجرت ناشی از کمبود آب، جمعیت خزیده‌ای بالغ بر ۵۰ میلیون نفر را شامل می‌شود [۳۳].

به هر حال ادامه روندهای اخیر و مخاطرات زیست محیطی، تنوع اقلیمی و فرهنگی کشورمان را با چالش‌های فراگیر و گسترده‌ای روبرو کرده که عدم رسیدگی به آن می‌تواند به از سرگیری، خشونت‌های غیر قابل کنترل منجر شده و کسانی هم باشند که بخواهند از این آب گل لود ماهی بگیرند. در واقع مطلب آن است که شوربختانه ساختارهای زیست بومی ایران در جاده‌ی ناهمواری گرفتار آمده و دیگر تنگناهای سرزمینی،

به طور تقریبی در هر پنج سال ۱ میلیون نفر بوده است، مشاهده کرد. البته آمار مربوط به سال ۱۳۹۷ تا به امروز لحاظ شده

جدول ۳: جمعیت کشور و شهرنشینی

سال	تعداد	شهرنشینی (درصد)
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۳۱/۴
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۳۷/۹
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۷
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۵۴/۳
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۶۱/۳
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۶۸/۵
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۷۴

منبع: [۱۲]

صندوق خیریه به شواهد موجود خطرات آلودگی هوا بر نوزادان اشاره کرد و نشان می‌دهد که وقتی زنان باردار هوای آلوده مملو از غبار و کربن سیاه را تنفس می‌کنند، ذرات دوده قادر خواهند بود تا از طریق جریان خون مادر به جفت رسیده و مواد سمی به جنین آسیب رساند و بعد از تولد نیز تاثیرات سوء بر سلامت نوزاد داشته و حتی در دوران کودکی نیز ایجاد بیماری برای اطفال خواهد داشت [۳۷].

براساس یافته‌های دانشگاه ماری در لندن بر روی کودکان نشان داده است: ذرات ریز و خطرناک کربن وارد ریه و سپس جریان خون انسان شده و حتی به مغز می‌رسد، این ذرات بر روی ریه، رشد مغز و طول عمر کودکان و نوزادان تاثیر مستقیم و منفی خواهند داشت [۳۸].

طبق گزارشات سازمان بهداشت جهانی، حدود ۳/۲ میلیون مورد جدید ابتلا به دیابت در سال ۲۰۱۶ وجود داشته که بخش بزرگی از آن ناشی از آلودگی هوا بوده است [۲۸]. به علاوه محققان به این نتیجه رسیده‌اند که آلودگی هوا تاثیر مستقیمی بر عملکرد کلیه‌ها می‌گذارد و با افزایش ابتلا به بیماری کلیوی، خطر ابتلا به مرگ و میر قلبی و عروقی افزوده می‌شود.

آلودگی هوا بر حافظه انسان هم تاثیر مخرب دارد؛ محققان بریتانیایی دریافته‌اند که قرارگیری در معرض میزان بالای آلودگی

در حال حاضر به طور میانگین روزانه حدود ۸ تا ۹ هزار تن پسماند عادی و زباله خانگی در شهر تهران تولید و جمع‌آوری می‌شود. بر این اساس، سرانه تولید زباله در شهر تهران برای هر نفر حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ گرم در روز است، در حالی که نرم میانگین سرانه تولید زباله برای هر نفر در دنیا به طور میانگین حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ گرم است. این در حالی است که سرانه هر فرد در برخی از مناطق شمال تهران به ۱۲۰۰ گرم هم می‌رسد؛ به عبارتی دیگر هر تهرانی سالانه پنج برابر وزن خود زباله تولید می‌کند [۳۶].

۳-۴. بیماری‌های ناشی از تخریب محیط زیست

تاثیر دیگر تخریب محیط زیست در ایران، افزایش شیوع بیماری‌ها (جسمی و روحی) و تاثیر مخرب بر سلامت افراد و افزایش نرخ میزان مرگ می‌باشد. تغییرات اقلیمی چون آلودگی هوا، خشکسالی و فقر آب خود عاملی بر بروز و تشدید سرطان‌ها، آسم، بیماری‌های مزمن قلبی، دیابت نوع ۲، بیماری ریوی، آلزایمر، اوتیسم، سکنه، پارکینسون، بیماری‌های چشمی و التهابی، MS، مالاریا، بیماری‌های پوستی، افسردگی، خودکشی و حتی کاهش سطح کیفیت زندگی خواهد شد. مطالعات کنگره بین‌المللی انجمن تنفسی جامعه بین‌الملل

یکی از تلخ‌ترین اثر نابودی محیط زیست بر جامعه افزایش میزان تلفات انسانی است، طبق بررسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی تا سال ۲۰۴۰ تعداد مرگ و میرهای زودرس ناشی از آلودگی بیرون خانه‌ای به ۴/۵ میلیون نفر خواهد رسید [۴۱]. آمارها از میزان مرگ ایرانی‌ها در اثر آلودگی هوا نشان می‌دهد که رقمی بالغ بر ۱۳ هزار نفر در کل ایران و ۴۸ هزار نفر در تهران، نگران کننده می‌باشد [۴۲]. طبق یکی از این آمارها از سوی سازمان جهانی بهداشت که مربوط به سال ۲۰۱۶ بوده است شهر اهواز رکورددار مرگ و میر بر اثر آلودگی هوا در کشور اعلام شده است.

نمی‌توان کتمان کرد دامنه‌ی این مشکلات می‌تواند نرخ امید به زندگی و میزان شادی در جامعه‌ی ایرانی را با روند نزولی مواجه کند. توجه به شاخص سیاره شاد که تابعی از (میانگین رضایت ذهنی از زندگی، امید به زندگی در بدو تولد و مقدار ردپای اکولوژیکی سرانه منابع) است، در (جدول ۴) طی بازده زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ در ایران می‌تواند مویدی بر این امر باشد.

جدول ۴: نرخ امید به زندگی و میزان شادی

سال	رتبه
۱۳۸۵	۶۷
۱۳۸۸	۸۱
۱۳۹۱	۷۷
۱۳۹۷	۱۰۷

منبع: [۴۳]

این پژوهش هشدار می‌دهد که به وضع سلامت اقلیمی جهان و تداوم این نوع سبک زندگی چونان مسیر پر خم و پیچ می‌تواند عواقب بد دیگر هم به دنبال داشته باشد تا آنجا که به میراث فرهنگی و تمدنی خودمان بازمی‌گردد. باید گفت این پژوهش فراخوانی است برای حفظ همه ارزش‌ها و مواریث خرد و کلان که می‌تواند به پایایی آن در نسل‌های آتی نیز مدد رساند. همانطور که بی‌توجهی به آن می‌تواند زمینه ساز گسل‌های پی در پی در زیست جهان ایرانی شود. توجه به رتبه ایران در شاخص‌های جهانی به خوبی می‌تواند وضع زیست‌محیطی ایران را بازگو نماید. در (جدول ۵) رتبه ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸

هوا ریسک ابتلا به زوال عقل را تا ۴۰٪ افزایش می‌دهد، ریسک ابتلا به آلزایمر متداول‌ترین نوع زوال عقل، نیز در مورد افرادی که در معرض بالاترین میزان اکسید نیتروژن قرار داشته‌اند، ۵۰٪ بیشتر بوده است [۳۸]. شوربختانه برخی از شهرهای ایران در ردیف آلوده‌ترین شهرهای جهان قرار دارند و از نظر کیفیت هوا در شرایط پر خطر و بحرانی هستند و طبعاً این امر بر سلامت افراد جامعه تاثیر بلافصل می‌گذارد. به‌عنوان مثال، همراه با روند خشک شدن دریاچه ارومیه، همواره اخباری درباره افزایش بیماری‌های تنفسی، ریوی، پوستی و سرطانی در منطقه آذربایجان و دیگر استان‌های هم‌جوار به گوش می‌رسید [۳۹].

در سال حدود ۱۰۰ هزار بیمار جدید مبتلابه سرطان در کشور شناسایی می‌شود که سرطان پوست، پستان، معده و روده بزرگ از شایع‌ترین نوع سرطان در ایران هستند، طبق پیش‌بینی‌ها درباره ایران تا سال ۱۴۰۹ یا ۲۰۳۰ میلادی میزان بروز سرطان ۵۰٪ افزایش می‌یابد که یکی از دلایل اصلی آن افزایش تعداد خودروها، سوخت نامناسب، به هم خوردن تعادل زیستی و در نتیجه افزایش میزان آلودگی در سطح شهرها است [۴۰].

از تاثیرات بسیار عمیق و تنش‌زای تخریب محیط زیست ایران، تشدید بیماری‌های روحی و روانی در میان افراد جامعه است که در واقع نتایج مخرب‌تر از بیماری‌های جسمی بر شخص می‌گذارد، زیرا در صورت غلبه چنین روندی علاوه بر افزایش بزهکاری‌ها و مشکلات اجتماعی، می‌تواند تحرک را کم کرده و جامعه را به رکود و ایستایی کشانده و به دنبال آن، از استعدادها و خلاقیت‌ها بکاهد. در نتیجه با محرومیت انسان از حق طبیعی اولیه‌اش یعنی محیط زیست، در کنار مشکلات معاش به بی‌انگیزگی و ملال دامن خواهد زد.

همه مطالب ذکر شده بیان‌گر وضع نامطلوب اقلیمی در سطح جهان و من جمله در ایران است. بخشی از دغدغه‌ی هنجاری

براساس شاخص عملکرد زیست محیطی که میان ۱۸۰ کشور محاسبه شده است.

جدول ۵: شاخص عملکرد زیست محیطی

رتبه	سال
۶۷	۲۰۰۸
۷۸	۲۰۱۰
۱۱۴	۲۰۱۲
۸۳	۲۰۱۴
۱۰۵	۲۰۱۶

در (جدول ۶) رتبه ایران را از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ براساس شاخص رفاه لگاتیوم نشان می‌دهد که از میان ۱۴۹ کشور بررسی شده و بر فاکتورهایی چون کیفیت اقتصاد، کسب و کار، حکمرانی، آموزش، بهداشت، امنیت، آزادی فردی، سرمایه اجتماعی و محیط زیست تاکید دارد.

جدول ۶: شاخص رفاه لگاتیوم

رتبه	سال
۹۳	۲۰۰۹
۹۲	۲۰۱۰
۹۷	۲۰۱۱
۱۰۲	۲۰۱۲
۱۰۱	۲۰۱۳
۱۰۷	۲۰۱۴
۱۰۶	۲۰۱۵
۱۰۷	۲۰۱۶
۱۱۷	۲۰۱۷
۱۰۸	۲۰۱۸

منبع: [۴۹]

۴. به سوی تعادل اقلیمی و سپهر زندگی

با توصیف آنچه گذشت ما به شدت و سرعت نیازمند آنچه «کربن‌زدایی از جهان زیست خود» نامیده می‌شود، هستیم. به نظر می‌رسد در مواجهه با مخاطرات جهانی دو سناریو پیش روی ماست: این که بشر به دلیل گستره‌ی اختلافات در زمینه‌ی یافتن راه حل در خصوص تغییرات اقلیمی، زوال حیات کره سبز را تسریع کند یا از منظر اخلاقیات قایق نجات به زمینه‌های آگاهی بخشی در سطح جهانی و کوشش در بستر مخاطرات محلی بپیوندد. اسلاوی ژیزک در واکنش به بحران کرونا

ویروس به درستی گفته است: «ما همگی اکنون در یک قایق نشسته‌ایم» [۴۴]. اگر قرار بر تنظیم و عمل به نوعی «قرارداد اجتماعی زیست جهانی» باشیم، باید جهانی فکر کنیم و محلی - بومی عمل کنیم.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد تله‌ی پیشرفت انسان معاصر را از ریشه‌ها جدا کرده و در میان انبوهی از سرگستگی‌ها، بیگانگی‌ها و بحران‌ها رها کرده است. شوربختانه با وجود این بحران‌ها، جامعه‌ی

کشور و دادن شخصیت‌های حقوقی و مدنی به اکولوژیست‌ها، نهادها و گروه‌های زیست بومی در ایران.

۴) سنجش توانایی طبیعت در شهر با اهداف توسعه و شهرسازی که در هماهنگی با یکدیگر در یک راستا باشند. تعلیق و پایان دادن به طرح‌های توسعه‌ای که در منافات با محیط زیست ایران می‌باشد. همانند: طرح انتقال آب و یا سد سازی‌های بدون بینش درست.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تائیدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان/منابع مالی و حمایت‌ها: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع:

۱. رایت، رونالد. (۱۳۹۸). تله پیشرفت. ترجمه محسن صفاری، تهران: نشر چشمه، ص ۱۰.
۲. سوئیزی، پل و مگداف، هری. (۱۳۸۷). سرمایه داری و محیط زیست. ترجمه برزو ثابت، تهران: نشر دیگر.
۳. موتسکیو، شارل لویی دوسکوندن. (۱۳۹۶). روح القوانین: به انضمام درآمدی بر روح القوانین. ترجمه: علی‌اکبر مهدی، تهران: امیرکبیر، صص ۱۵۳ و ۴۸۱.
۴. دژاردن، جوزف آر. (۱۳۹۶). اخلاق محیط زیست: درآمدی بر فلسفه محیط زیست. ترجمه مهدی کلاهی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ص ۸۵.
۵. معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۹۴). زیست جهان و اهمیت آن برای نظریه سیاسی. تهران: رخداد نو، صص ۴۵-۵۰.
۶. صیاد، وحیده. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر اقلیم بر خودکشی در تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد اقلیم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۶-۱۸.
۷. برلین، آیزایا. (۱۳۸۹). منتسکیو. ترجمه نادر انتخایی، تهران: نشر نگاره آفتاب، ص ۲۷.

بشری چنان که باید اهمیتی جدی برای رفع این مسائل و مصائب ندارد. از این قرار بحران اقلیمی و زیست جهانی ایران، بخشی از این مشکلهای جهانی و التیام آن نیازمند درمان و راه‌های موشکافانه و مدبرانه است. پژوهش حاضر نشان داد تخریب محیط زیست اثرات بسیاری بر سپهر زندگی روزمره وارد کرده که بروز برخی بیماری‌های زیست محیطی، سیل مهاجرت‌های بی رویه و انواع خشونت‌ها از جمله‌ای آنها است. اگر هنر سیاستگری همانا تعقیب و تعمیق فضیلت زیست جمعی پایدار و مالا بهزیستی همگانی باشد، سیاست‌گذاری‌ها خوب است به وجهی به اجرا گذاشته شود که نقشه‌ی راهی به سوی سعادت جمعی باشد و بسامد حفظ رابطه‌ی اخلاقی پایدار میان اقلیم متنوع ما و زیست جهان برآمده از آن باشد. در این معنا می‌توان از برخی راهکارها سخن گفت:

۱) باز تعریف مسئولیت مدنی زیستی در افراد و اقشار مختلف جامعه و حتی دولت در برابر طبیعت و تصویب قوانین الزام‌آور حقوقی (مجازات و تشویق) مرتبط با آن و حل ضعف‌های سازمان حفاظت محیط زیست و قدرت‌یابی این مرجع در اتخاذ قوانین و عرصه اجرا در کشور. در این راستا باید قوانین و اسناد زیست محیطی کشور با توجه به ظرفیت‌های اکولوژیکی ایران فارغ از هدف‌های توسعه‌طلبانه، عمرانی، اقتصادی و صنعتی و همچنین ارتباط پیوسته و در یک راستای قوانین مختلف با یکدیگر وجود داشته باشد، اصلاح گردند نه آن که در تعارض باهم اتخاذ شوند. همانند تطابق قانون اساسی، برنامه‌های توسعه‌های اول تا ششم با عرصه‌ی عملیاتی مناسب با آن.

۲) آموزش و استخدام افراد متخصص در حوزه زیست محیطی در ایران و قدرت اجرایی در حوزه زیست محیطی به این افراد به‌عنوان حق قانونی الزام‌آور بدهند و کرسی‌های قانون‌گذاری برای این اشخاص در نظر گیرند.

۳) نهادینه ساختن بینش و خرد زیست محیطی در نظام آموزشی و جامعه پذیری نسل جدید در ایران توأم با تغییر سبک زندگی ایرانیان از مصرف‌کننده به سوی تولیدکنندگی و استفاده از وسایل اکولوژیکی و سبز به جای پلاستیک و یک بار مصرف و نقش آفرینی فعال و موثر سمن‌ها و گروه‌های طرفدار محیط زیست در همکاری با مراجع قدرت و اجرا در

۸. رضایی راد، محمد. (۱۳۷۸). خرد مزدایی. تهران: نشر مرکز، ص ۱۶۲.
۹. پولادی، کمال. (۱۳۹۷). در سودای نظام داد. تهران: مرکز، ص ۱۰.
۱۰. ساتن، فیلیپ دبلیو. (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه شناسی محیط زیست. ترجمه صادق صالحی، تهران: سمت، چاپ سوم، ص ۵۵.
۱۱. بک، اولریش. (۱۳۹۷). جامعه خطر: به سوی مدرنیته‌ای نوین. ترجمه رضا فاضل، مهدی فرهنگ نژاد، تهران: ثالث، صص ۵۰-۵۳.
۱۲. ابطحی، سید مرتضی؛ سیف، عبدالله. (۱۳۹۱). بررسی فشار جمعیت انسانی بر محیط زیست: مطالعه موردی حوضه مسئله کاشان. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۴۶، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۱۶.
۱۳. ثلاثی، محسن. (۱۳۸۶). جهان ایرانی و ایران جهانی. تهران: نشر مرکز، ص ۱۲.
۱۴. مسعودیان، ابوالفضل. (۱۳۸۲). نواحی اقلیمی ایران. فصلنامه جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۷۰-۱۸۰.
۱۵. بهشتی، صمد؛ حکمرادی، محمد. (۱۳۹۶). احساس تعلق به ایران در میان اقوام ایرانی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۸، شماره ۶۷، صص ۲۶-۲۸.
۱۶. حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ۹، ش ۳ و ۴، صص ۱۵۵-۱۶۰.
۱۷. فیلیپس، تام. (۱۳۹۹). تاریخ مختصر به گند کشیدن جهان. ترجمه زهرا کمالی، تهران: نگاه، ص ۲۱.
۱۸. بلامی فاستر، جان. (۱۳۹۵). زمین سیاره آسیب‌پذیر (تاریخ اقتصادی کوتاهی از محیط زیست). ترجمه محسن صفاری، چاپ اول، تهران: جهان ادیب، ص ۱۲۵.
۱۹. کلاتری، عیسی. (۱۳۹۷). رتبه نخست جهانی ایران در فرسایش خاک.
<http://www.iribnews.ir/fa/news/2294946>
۲۰. سایت مرکز آمار ایران: www.amar.org.ir
۲۱. مافی، حسن. (۱۳۹۶). بحران آب ایران: ریشه‌ها و تنگناها. شماره مسلسل ۱۱۰۰۳۶۶، بازیابی شده از www.npps.ir
۲۲. رحیمی، رضا. (۱۳۹۷). آب و امنیت زیست‌محیطی ایران. کد خبر ۷۸۸۲۸۲، بازیابی شده از: www.tabnak.com
۲۳. انجمن پایشگران محیط زیست ایران. (۱۳۹۲). بحران زیست محیطی ایران. دسترسی در: <http://payeshgaran.info/?part=article&inc=article&id=63>
۲۴. www.bartarinha.ir/fa/news/634903
۲۵. واعظ مدنی، بهناز السادات. (۱۳۹۶). بحران‌های زیست محیطی ایران. بازیابی شده از: www.karayionlion.com
۲۶. زارع، مهدی. (۱۳۹۶). تغییر اقلیم می‌تواند مکان لرزه‌خیز را مستعد زلزله کند. بازیابی شده از: www.mehrnews.com/news/4180116
۲۷. سایت عصر ایران. ۹ مهرماه ۱۳۹۷: کد خبر ۶۳۳۸۹۸ <https://www.asriran.com/fa/news/633898>
۲۸. بانک جهانی. (۱۳۹۷). بانک جهانی: تهران جزو دوازده شهر آلوده جهان قرار دارد. بازیابی شده از: <http://www.iew.ir/1397/03/19/59404>
۲۹. سیری در ایران. (۱۳۹۲). غرق شدن بیش از ۲۰۰ اثر با احداث ۵ سد بزرگ، بازیابی شده از: [seeiran.ir](http://www.seeiran.ir)
۳۰. برارپور، کوروش. (۱۳۸۷). بررسی علل و پیامدهای وقوع چرخه تخریب محیط زیست در کلاردشت. فصلنامه محیط‌شناسی، سال ۳۴، شماره ۴۵، صص ۱۲۱-۱۲۷.
۳۱. بربر، مسعود. (۱۳۹۵). ۷۰ درصد منازعات جهانی به دلیل چالش‌های آبی و منابع غذایی است. کد خبر ۳۷۵۴۹۳۸، بازیابی شده از: www.mehrnews.com
۳۲. سایت عصر ایران، ۱۳ آذر ۱۳۹۷، کد خبر: ۶۴۳۰۴۸ <https://www.asriran.com/fa/news>
۳۳. دکامین، مجید. (۱۳۹۷). عدالت محیط زیستی در ایران: از آرمان تا واقعیت. شماره مسلسل ۱۱۰۰۵۷۱، بازیابی شده از: www.ir.npps

۳۴. کلاین، ناومی. (۱۳۹۶). آخرین فرصت تغییر: سرمایه‌داری در تقابل با شرایط اقلیمی. ترجمه مجید امینی، تهران: لاهیتا، ص ۱۱۸-۱۱۹.
۳۵. ریتزر، جرج. (۱۳۹۵). جهانی شدن (بایسته‌ها)، ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران: چاپخش، ص ۴۲۳.
۳۶. حامدی، نیلوفر. (۱۳۹۸). جیره روزانه تهران از زباله: ۸ هزار تُن. بازیابی شده در: www.etemadonline.com/content/320748
۳۷. حسنجانی، حسن. (۱۳۹۷). اثر مخرب دوده بر رشد جنین. www.mehrnews.com/news/4413997
۳۸. کاری، ایان. (۱۳۹۷). تاثیر مخرب آلودگی هوا بر حافظه انسان. www.mehrnews.com/news/4407534
۳۹. روزنامه شرق. (۱۳۹۶). تخریب طبیعت، تهدید بر روان انسان. شماره ۳۰۰۴: صفحه ۱۶، بازیابی شده از: www.magiran.com
۴۰. میبودی، حسین. (۱۳۹۵). ترسناک‌تر از پلاسکو: امروز فروش خودرو اقساطی، فردا ابتلا به سرطان. شماره مسلسل ۱۱۰۰۲۸۸، بازیابی شده از: www.npps.ir
۴۱. باقرپور، سجاد؛ شمساپور، نیما. (۱۳۹۷). آلودگی هوا و سیاست‌گذاری انرژی. شماره مسلسل ۱۱۰۰۵۶۴، بازیابی شده از: www.npps.ir
۴۲. سایت خبر آنلاین: kabaronlion.ir
۴۳. سایت سازمان حفاظت محیط زیست ایران <https://doe.ir>
۴۴. ژیزک، اسلاوی. (۱۳۹۹). هراس جهانی. ترجمه شهریار پاک نیا، تهران: نقد فرهنگ.
45. Dankelman, I. (2002). Climate Change: Learning from Gender Analysis. in Gender and Development, 10, Vol.2, 21-30.
46. Hoffman, M. (1988). Critical Theory and the Inter- Paradigm Debate. Millennium, 16(2).
47. Habermas, J. (1987). The Theory of Communicative Action. vol.2. Translated by T. McCarthy.
48. Habermas, J. (1992). Knowledge and Human Interests. tr. Jeremy J. Shapiro, Boston, Beacon Press.
49. www.Properity.com